

شهر وند جدید اروپا

بخش باشند، در این صورت فضای «چندصدایی» جای گفتگوی دو طرفه را می گیرد.
فضای چندصدایی با فراهم کردن حس همزبستی یا سایرین، امکان تعدیل هیوسلفی و ترکیب و اصلاح اعضای مجموعه را مهیا ساخته و سازگاری اجزا برای ایجاد مباحث و گفتگوهای جدید را زمینه سازی می کند. این تبدیل ها و تلاش ها بخشی از طبیعت درونی تطوری و پویای مفهوم شهروندی هستند.

مسلمانان و هویت
توجه رابطه این مسائل با هویت اسلامی، یکی از چالش برانگیزترین مباحث پیرامون جنبه فرهنگ گرایی است. هویت اسلام سیاسی در بریتانیا - به طور کلی - از زمان انتشار فایات شیطانیه در سال ۱۹۸۹ شکل گرفته یعنی با شروع اعتراضات و واکنش های شدید و در مورد کتاب سلمان رشیدی (که که طاری مودود بر بریتانیایی بودن آسان تر است) در سال ۱۹۹۲. این اتفاق باعث شد که مسلمانان بریتانیا برای اولین بار مسلمان بودن خود را به عنوان یک مفهوم عام در نظر بگیرند و بر اساس این هویت مشخصه که رابطه خود را با سایر مسلمانان و در سطح وسیع تر با جامعه بریتانیایی - و بین المللی - تعریف کنند.

وارد شمس چنین نکته هایی به هویت اسلامی عهدنا در زمان های گذشتنه اتفاق افتاده است. وضعیت امروز مسلمانان در بریتانیا مرهون تلاش های بسیاری از افراد از جمله فارمیانی است. او تا قبل از چهره های هتمن جولای به طور کامل پس زمینه اسلامی خود را مشخص نکرده بود اما پس از این رویداد کناری هاد مشخصاً بر هویت اسلامی خود تاکید کرده و سازگاری تحت عنوان همزمان مسلمانان پیشرو بریتانیا را بنیان نهاد. یکی از اعضای گروه مسلمان لیبرال بریتانیا - در پنج به این سوال که آیا شما خود را مسلمان می نپسندید؟ گفت: «حادثه بمب گذاری های هتمن جولای باعث شد تا بسیاری از ما به هویت اسلامی خود پی ببریم و بهتریم به عنوان یک مسلمان، در غرب زندگی رضایت بخشی داشته باشیم». (که که فرمیانی، فلز خود بیگانه می، سوم جولای ۲۰۰۶)

این بیان از آنجمله جینی بر مسلمان بودن، فرما ارتباطی به مذهبی بودن ندارد. لازم به ذکر است که هویت اسلامی همواره فشارهایی را از داخل و خارج تحمل می کند. پیدایش هویت اسلامی بریتانیایی با تقویت تهدید مسلمانان در برابر جهان همراه بوده است و نوع تعریف را در این دشت است. یکی مخالفت با این تهدید بود که باعث پدید آمدن جنبش های مذهبی و فرهنگی شد و دیگری، مساعده دولت بریتانیا در بران ساختن زندگی غیرنظامیان مسلمان بود.
مسلمانان در بریتانیا، آمریکا و استرالیا - شاید بتوان گفت در غرب - دست به امور جدیدی تشویق آوری می زنند. ایجاد حس شهروندی ملی در نظام سیاسی کشورهایی که یا در تضاد یا کشور های اسلامی است. تند با آنها را انتقال کرده اند و نیز اقدام به موضع گیری تخصصی در برابر آنها که از دید بسیاری از تحلیلگران، پروژه های طولانی مدت است. ترور بمب محلی و اقدامات مربوطه به مبارزه منفی در حوزه سیاسی، بخش های مهمی از این زمینه وسیع سیاسی هستند.

امیلی ترنن تهدید در راستای شهروندی چندفرهنگی را می توان خطر تقلب های نظامی بیرون مرزی دانست.
در این حال، یکی از دلایل تاکید من بر اهمیت - به بار زنده پیگیری اهداف سیاسی جامعه است. وجود تضاد پرشماری از مسلمانان بریتانیایی است که با تشویش های فراوانی مواجه هستند. مشکلاتی که در اثر تلاش برای ایجاد اجتماع اسلامی در چهل چوب تهدیدات مدنی پیش می آید.

۲۰۰۵ - در مسیر مشابهی تفسیر شدند. به عنوان نمونه ژیل کول، بسبب گذراندن هتمن جولای را همزبان خود جمله چندفرهنگی بریتانیا خواند و این بمب گذاری ها را به منظره هتمن شکستیز و فراق اجتماعی تلویحی در جمله بریتانیا توصیف کرده که موجب نکته شدن چندفرهنگ گرایی را فراهم آورد. (ن ک ژیل کول، «پایان اروپا به لندنستان» ۲۴ اگوست ۲۰۰۵).
من پاسخ این انتقاد را با بازاندیشی در باب مفهوم چندفرهنگ گرایی - به نحوی که آن را از اشکال کم تفکرانه لیبرالسم مجزا کنه - خواهم داد و در این راستا از مفاهیمی چون شهروندی هموگرنیک و ملت سازی مدد خواهم گرفت.

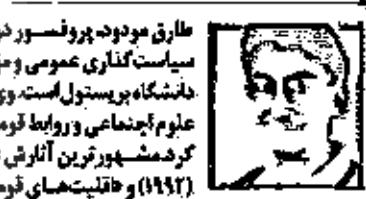
شهر وندی چندفرهنگی
به موازات اعتقاد سوسیال دموکرات ها به وجود برابری مثبت در حیطه اجتماعی - اقتصادی (وضعیتی که از آن تحت عنوان شهروندی اجتماعی یاد می شود) می توان از آن به عنوان برابری مثبت در ارتباط با آن نیز همان تعدادین فرهنگ علمه سخن به میان آورد. چنین وضعیتی مستلزم هرکی دیگر گونه از مفهوم شهروندی است که به موجب آن شهروندی صرفاً موقعیتی قانونی نبوده و تنها شامل مجموعه ای از حقوق نیست بلکه شرایطی است که به واسطه گونه های سیاسی ویژه ای به سطح دانه می شود. شهروندی را باید به مثابه وضعیتی درای کند. کل سه گانه زیر دانست که در هر کلام از آنها به تفصیل در باب عدم تناقض میان شهروندی و چندفرهنگ گرایی بحث می شود.

شهر وندی امری چندصدایی است
تکثر باعث ارتباط میان افراد می شود ولی این امر لزوماً به معنی توافق نظر بر پیرامون مفهوم شهروندی نیست. ممکن است با مجموعه ای از توافق ها و عدم توافق ها عدم از محدوده های مربوطه به اصحاب و اختلاف نظر در باب مسائل مختلف مواجه شویم اما با این حال توافق و - سهم تر از آن - علاقه های کلانی به منظور تیل به یک، تبادل نظر پایدار وجود دارد.
باگر بخش های حاضر در این گفتگو ویرش از ۲

طارق مودود پروفیسور در رشته های جامعه شناسی، علم سیاست و سیاست گذاری عمومی و مؤسس مرکز مطالعات قومیت و شهروندی در دانشگاه بریستول است. وی در سال ۲۰۰۱ به جهت تعمیماتش در زمینه علوم اجتماعی و روابط قومی، نشان افتخار امیر انوری بریتانیا را دریافت کرده مشهورترین آثارش عبارتند از: «تکلیب سیاسی بودن آسان نیست» (۱۹۹۲) و «اقلیت های قومی در بریتانیا: تنوع و کامنتی های» (۱۹۹۷).
کتاب های اخیر او نیز عبارت هستند از: «سیاست چندفرهنگی: تولد گرایی، قومیت و مسلمانان در بریتانیا» (۲۰۰۵) و «اخلاق، ملی گرایی و حقوق اقلیتی» (۲۰۰۲) و «اقلیت، نژاد و اجتماع و سیاست عامه در اروپا و آمریکا» (۲۰۰۴). حوزه های مطالعاتی تحقیقی او شامل تحقیق در تاریخچه و ویژگی های اقلیت های قومی و ورود آنها به آموزش های عالی است. آخرین اثر او در این حوزه کتاب «چرا تفاوت؟ نگاهی دقیق به اقلیت های دانشجویی فارغ التحصیل» (۲۰۰۴) است.

گستره واکنش های شدید در برابر چندفرهنگ گرایی بسیار وسیع است اما باید توجه داشت که مفهوم چندفرهنگ گرایی، مفهومی مناقشه آمیز و چالش برانگیز است. تا جایی که بیشتر انتقادهای وارد شده به این مفهوم، مسئله ضعف مشترکی را در فضای مفهومی آن مورد حمله قرار داده اند. شاید وجود این می توان در حال حاضر به ۲ عنصر اصلی اشاره کرد که نقدهای وارد شده را حازم اهمیت و قدرت ویژه ای می کنند. اولی رابطه چندفرهنگ گرایی با جهان اسلام و مورد بعدی ارتباط آن با مباحثی پیرامون هویت ملی است.

نقد چندفرهنگ گرایی، نقد مسلمانان
اصلی ترین جنبه از نقدهای چندفرهنگ گرایی - که بر مسلمانان تاکید می کند - پیشینه ای قدیمی تر از فهم معمول ما در مورد آن دارد و سابقه تاریخی آن به قبل از حملات ۱۱ سپتامبر و وقایع آن برمی گردد. سال ۲۰۰۱ برای بریتانیا سال مهمی بود. در اواخر بهار سال ۲۰۰۱ ما شاهد وقوع آشوب ها و تخریب های خبیلی در شماری از شهر های شمالی انگلستان بودیم که جوانان مسلمان - خصوصاً پاکستانی ها - باز یگران اصلی آن بودند. به لحاظ سیاسی می توان این شورش ها را در سایه چندفرهنگ گرایی تکمیلی مشاهده کرد. بیشتر رخداد های جدی - از دست اجرات قانونی در باره مقررات مربوطه به نوع پوشش در مدارس گرفته تا بسبب گذاری های هتمن جولای.



طارق مودود پروفیسور در رشته های جامعه شناسی، علم سیاست و سیاست گذاری عمومی و مؤسس مرکز مطالعات قومیت و شهروندی در دانشگاه بریستول است. وی در سال ۲۰۰۱ به جهت تعمیماتش در زمینه علوم اجتماعی و روابط قومی، نشان افتخار امیر انوری بریتانیا را دریافت کرده مشهورترین آثارش عبارتند از: «تکلیب سیاسی بودن آسان نیست» (۱۹۹۲) و «اقلیت های قومی در بریتانیا: تنوع و کامنتی های» (۱۹۹۷).
کتاب های اخیر او نیز عبارت هستند از: «سیاست چندفرهنگی: تولد گرایی، قومیت و مسلمانان در بریتانیا» (۲۰۰۵) و «اخلاق، ملی گرایی و حقوق اقلیتی» (۲۰۰۲) و «اقلیت، نژاد و اجتماع و سیاست عامه در اروپا و آمریکا» (۲۰۰۴). حوزه های مطالعاتی تحقیقی او شامل تحقیق در تاریخچه و ویژگی های اقلیت های قومی و ورود آنها به آموزش های عالی است. آخرین اثر او در این حوزه کتاب «چرا تفاوت؟ نگاهی دقیق به اقلیت های دانشجویی فارغ التحصیل» (۲۰۰۴) است.

طارق مودود
لبنه چند فرهنگ گرایی از به خود پیدایش خود پذیرای موج شدیدی از انتقاد بوده است. نکته سده این از عدم افسکاک اجتماعی، تقویت نفاق و جدایی در میان مسلمانان و تضعیف هویت ملی از اصلی ترین انتقادهای وارد شده به چندفرهنگ گرایی است. شاید نظر من یک دیدگاه تکامل یافته در مورد چند فرهنگ گرایی می تواند در کنار شهروندی هموگرنیک و ملت سازی ایفاگر نقشی مکمل باشد.

مناسبات موجود میان اجتماعات حقوقی، مذهبی و اجتماعی در برخی دولت های اروپایی غربی در برخورد بحران های متعددی است. تبیین فضای این بحران ها نظیر مهاجرت تمایز مشغول پذیرش های ایجاد شده پیرامون، نقل و نمان و جریان های مذهبی و وحشت همه گیر حاصل از زندگی در جهان پس از ۱۱ سپتامبر، سادتر از نشان دادن واقعیت وجودی آنهاست. در شرایطی که در آن با وجود احکامی فراگیر کشمکش در میان افراد اقله تصویرگری کلی از آن جنوار می نماید.

سوزی از مردم - در راه تلاش برای راهی یافتن از سرور کمی خود - به دنبال - چربلا هستند. چندفرهنگ گرایی یکی از صدمت ترین این بلاگردان هفت که در عرصه دانشگاهی و رسانه ای و بیشتر مباحث عمومی لایزال هزاره سوم - به ویژه در بریتانیا - جریان داشته و دارد.





گماخته‌نی بر مسو اینده مسلمانان در اروپا

روحانیت و مروت

وقتی شیخ فرخاوی در سال ۲۰۰۱ حملات تروریستی یازدهم سپتامبر را شنیدند محکوم کردند دولت‌های اروپایی از این اقدام وی بسیار لذت بردند اما شیخ تصریح کرد که «دیدگاه او در باره بسبب گذاری‌های انتحاری در مناطقی چون بلژیک» «خار می‌باشد با مروج دیگران نفیوت دارد او مشوق حضور پرشور ضابطگان جهان اسلام در نظام غرب است ولی مشروط بر آنکه این افراد همواره منابع اسلام را در نظر داشته باشند»

شیخ صهیب حسن احمد از قضای شورانیز که مسئولیت اداره یک مدرسه و مسجد را بر عهده دارد گفت: «من تعجب نمی‌کنم که مسلمانان اروپا را از این بزرگوار مشروعت‌خواران و مغذی‌های مسلمان شونده مغذی‌هایی نظیر و دست‌های آلوده اسلامی تغییر در قوانین طلاق و غیره از یکی از مسائلی است که در این کشور»

پرسید که کدام جنبش‌های گویای این تئوری استخوان‌مسلمین است. او بلافاصله گفت: «تصمیم ما بر اتحادیه سازمان‌های اسلامی فرانسه» متوجه می‌گردد اتحادیه سازمان‌های اسلامی فرانسه مجموعه سازمان‌های اسلامی از ۲۵۰ هیئت است که در مسیلت فرانسه و سایر کشورهای اتحادیه و سایر جناح‌های تندرو در انتخابات سال گذشته برای شورای دین اسلام در فرانسه در برابر شاخه‌های داخلی به پیروزی رسید»

ریاست شوراهای حاد خان محتاط هدیل یونکو - «مفتی اعظم پاریس» است. یونکو از متانت‌گرایان تعین فرانسه است و متأسفانه از سلیقه افراط‌گرایی در بین هم‌کیشان خود ولی شاخه‌های متفکمی‌های قدری تحت سطره اتحادیه سازمان‌های اسلامی فرانسه است. تند که که تزلزل دست‌نگاه شوراهای جنگ آنها خواهد بود تاکنون فقط معدودی از مسلمانان توانستند وارد صحنه سیاسی اروپا شوند و بیشتر آنها که نمی‌توانند در دین اسلام میراث تسلی‌های پیشین‌شان بوده تا اینکه مغذی‌های شان ترویج دین‌شان باشند اما این‌گونه در حال تدریج است. حال پرسش اصلی اینجاست که سیاست‌مداران که تبلیغ قواعد مروت‌گرایی هستند اما زندگی و جهان‌بینی‌شان متکثر از دینی است که پیروان دیگر ادیان را از بردست و تابع خود می‌بینند تا چه اندازه شاگله و بافت اروپا را تغییر خواهند داد؟ شاید پاسخ این پرسش این باشد: «خوبی زیاد»

منبع: Economist شماره سپتامبر ۲۰۰۶

۱۲ میلیون و اندی مسلمان اروپا چه نقشی در امور این قاره ایفا خواهند کرد؟ بیشتر مردم اروپا به احتمال قائل هستند مسلمان اروپا به طور کامل در بطن حیات سیاسی و اقتصادی کشور به‌عنوان اقلیت می‌شوند یا اینکه در حاشیه خواهند ماند و لاچار به حاشیه متمسک می‌شوند. این دو امکان در حال وقوع است. اکنون کشورهای اروپایی در حال حاضر در حال بررسی این موضوع هستند که آیا مسلمانان اروپا می‌توانند به عنوان فرستاده‌های منطقه‌ای یا برخی دیگر به عنوان اعضای مجلس نمایندگان این کشور قلمرو امور را در دست می‌گیرند. این موضوع در شکل گرفتن جایگاه و حرمت جامعه مسلمانان در اروپا حکایت می‌کند صهیب بن شیخ مفتی لیبزال ماری می‌گوید: «این بزرگواران اظهار نظر می‌کنند که اکثریت عمده مسلمانان فرانسه موقتی می‌شوند به جریان غالب و بطن جامعه آمیخته»

اما در سوی دیگر طیفه گروهی را می‌توانیم ببینیم که از این موضوع به‌طور منفی و حتی بدی‌تر می‌نگرند. حمایت می‌کنند قوی‌ترین جریان در سیاست اسلام اروپایی در میانه این دو طیف نهفته است. نسل جدید مسلمانان متولد اروپایی امروزند که در چهار چوب قوانین و نظام سیاسی کشور متولد شده‌اند. این نسل از کانون خاورمیانه الهام معنوی و ایدئولوژیک می‌گیرند و امید دارند که سرک‌چام پیروزی فرا خواهند رسید که حکومت اسلامی در حال مسلمان جهان بر دولت‌های سکولار پیروز خواهد شد»

با ملاحظه این قضیه تلاش فرولان مسلمانان برای استیلای اسلام اروپایی است که توسط فرولان جنبش «خوان‌المسلمین» قد علم کرده است. این خوان‌المسلمین جنبشی مردمی برای بنیان نهادن جامعه اسلامی بود که در اوان سده بیستم در مصر شکل گرفت و به رش مبرکوب شش‌دهن در سراسر جهان اسلام اشاعه یافت. شیخ یوسف فرخاوی، نظریه‌پرداز و مبلغ اصلی این جنبش، معلم ۷۰ ساله علوم دینی است که در قطر سکونت دارد و با تألیف چندین جلد کتاب حضور در برنامه‌های تلویزیونی و وبسایت‌های اینترنتی در بین جماعت پراکنده مسلمانان جایگاه والایی پیدا کرده است. البته او نیز مجرمانی رسمی‌تر هویتی نیز نسبه دارد وی رئیس شورای اروپایی، فیثا و تحقیق در جوانی بوده است»

این شوراهای ۲۷ عالم طراز اول اروپا و خاورمیانه تشکیل شده که وظیفه خود فرموده‌شان به‌دولت‌هاست که در دولت‌های اخلاقی و شخصی و سیاسی مسلمانان اروپا است»

منبع: www.scm200.net

به‌شود معتقد نمی‌شود - قبول داشتند) مسلمان وحشت و ارعاب زیادی در خصوص این مسائل به ویژه در ارتباط با تروریسم و سیاست‌های خارجی هنوز چوب‌دسته نگذاشته‌اند. امریکایی‌ها وجود دارد فروری و سیاست‌ها و کنش‌هایی که به چنین تبلیغاتی‌هایی ظن می‌زنند کار ساده‌ای نیست اما در کنترل آنها حمایت از سیاست‌های مسلمانان به بریتانیا کفری از سوی استه چنین حمایتی باعث ایجاد یک فرصت از زمین می‌شود که به موجب آن فراتر از این دولت‌ها یک به جهاد در برابر بریتانیا ختمی می‌شود»

به این ترتیب تمایل سیاستمداران چپ‌به‌هویت ملی بریتانیا، منتهم شمرده می‌شود و نمونه بارز این جریان فتنه‌گرا گوردون براون - چالش‌برانگیز نوینی باره رهبر حزب کارگر و نخست‌وزیر انگلیس - است. او در بسیاری از سخنرانی‌های خود بر احیای هویت ملی بریتانیا و ارزش گذاری مجدد بر آن تأکید ورزیده است. او در مهم‌ترین سخنرانی خود در اجلاس سالانه انجمن «هلپان» گفت: «ما در حال حاضر در پی چه هستیم؟ آینده هویت بریتانیا؟»

براون قصد دارد در همه برخی ارزش‌های کلیدی (همچون آزادی و انصاف - راه و روایتی تاریخی از جریان توسعه بریتانیا نیست. هدف مشکل اینجاست که حتی با قبول ریشه داشتن چنین ارزش‌هایی در تاریخ تکوین بریتانیا تبیین اولویت و تفسیر آنها برای نسل به یک نظام معنایی قابل اعتنا دور از دسترس است»

در کل هر فرهنگ عام ناگزیر باید در راستای ارزش‌های مشترک واقع در نهادهای اجتماعی عمل کند اما ارزش‌های این ارزش‌ها منوط به دوری از قالب‌های همگن و تک‌بعدی است و نظام معنایی آنها با می‌تواند به مثابه نماینده قدی قدوخته شده در ک شود یا به منزله شرایط جدیدی باشد که با هر هم‌زمن توافق نظرهای پوشین، خلق گونه‌های نوینی را به ارسلان آورد. منتسب داشتن ارزش‌هایی چون آزادی و انصاف به بریتانیا محل مناقشه است. به علاوه در بافت مفهومی بحث من، تهیه فهرستی از احکام ارزشی - به مثابه احکامی لازم‌الاجرا برای تمامی شهروندان - با روح کلی شهروندی چندصدایی منافی است. بنابراین می‌توان گفت که هویت ملی قابل تقلیل به فهرستی از احکام ارزشی نیست»

هر چند که باید در چهار چوب گنتسلی ویزهای شکل بگیرد و شهروندی به عنوان اصلی‌ترین هسته هویت ملی می‌بایست با جدال علیه تفاوت‌های منفی آنها را به تفاوت‌های مثبت تبدیل کند. در واقع نسل به یک چشم‌انداز فکری و سیاسی در زمینه عدالت و اصلاح اجتماعی در قرن بیستم یک بدون در نظر گرفتن جوانب مختلف شهروندی چندفرهنگی سراسری پیش نیست. اصلی‌ترین دورنمای عدالت اجتماعی در دهه‌های آتی، جایگزین کردن تفاوت‌های مثبت با تفاوت‌های منفی است»

من نمی‌توانم به یک جمع‌بندی خود-بیننده از بحث حاضر برسم اما این حال می‌توانم به اهمیت پذیرش نوعی خوشبینی و خودباوری اشاره کنم که آسیب‌های اخیر وارد شده به سیاست‌های چندفرهنگی را کم‌تر و محدودتر می‌کند»

جریان غالب غرب در قرن بیستم تک‌بوم حرکت شدنیان به سوی آمیختگی قومی و مذهبی است. در حالی که گرایش کلی جوامع چندفرهنگی در زمان‌های گذشت به تبعیت از حاکمیت سلطه‌مندانه جهانی بود. ادامه حیات پویا و متمایز چندفرهنگ‌گرایی در بافت شهروندی دموکراتیک منوط به پذیرش این اصل اساسی است که چندفرهنگ‌گرایی، علت بازخاستی‌های موجود نیست، بلکه بخشی از راه‌حل آن است»

منبع: www.scm200.net

با امتناع گروه حاکم از پذیرش هویت اسلامی آنها یا نادیده گرفتن سهم مسلمانان در شهروندی دموکراتیک بسیاری از مسلمانان بریتانیایی بی‌عزم تبعیت از این شرایط بیرون‌سوزی خارج از کنترل - که ممکن است به فعال و احساسی ترجمه به خود و خردن‌گرایی منجر شود - جایستی با پشتکار و اعتماد به نفس به مواقع موجود بر سر راه تفاهم دو طرفه فائق آیند»

افراط‌گرایی خشونت‌طلبانه باعث از بین رفتن شرایط لازم برای ایجاد چندفرهنگ‌گرایی می‌شود اما بر خلاف نظر منتقدان چندفرهنگ‌گرایی - که در ابتدای بحث به آنها اشاره شد - این افراط‌گرایی با توجه به به‌سط توسعه چندفرهنگ‌گرایی که از سطح محلی به سطح بین‌المللی در جریان است. حرفی برای گفتن ندارد»

«هویت ملی و «عاهیت بریتانیایی» در اینجا به دو معنی مطلقه معصده در بحث اخیر به‌رسمون جنبه فرهنگ‌گرایی می‌رسد یعنی رابطه چندفرهنگ‌گرایی با گفتمانی‌های معطوف به حوزه ملی باید توجه داشت که در بررسی تفاوت‌ها باید به اشتراکات نیز اشاره کرد. یکی از اشتراکات که بیشتر طرفداران نظریه چندفرهنگ‌گرایی بر آن تأکید دارند شهرروندی است. گفته شد که شهروندی امری متکثر، پراکنده و چندصدایی است و نمی‌توان آن را به حقوق و امتیازات قانونی فروکاست. حال می‌خواهم از این بحث هم فراتر رفته و نقاط مشترک میان شهروندی چندفرهنگی و هویت ملی را ترسیم کنم. ما در اروپا بر این موضوع اشراف داریم که هر جا چندفرهنگ‌گرایی به مثابه پیروزی دولتی مورد پذیرش قرار گرفته و اجرامی شود مثلا در کانادا، استرالیا و مازری، می‌توان دید که پیروزی را از اجرای طرح ملت‌سازی برای خلق کلتوری‌ها کسر ایایی‌ها و مالزیایی‌ها نمانده کرد»

حتی در ایالات متحده که نقش دولت فدرال در اجرای طرح‌های چندفرهنگی بسیار کم‌تر است، می‌توان نشانه‌هایی از تشکیل گستره‌های قومی - مذهبی در جهت احیای هویت ملی و کشورسازی را تصور کرد»

اهمیت این نکته در آن است که لایحه‌ها در نگاه برخی طرفداران چندفرهنگ‌گرایی و نگرش‌گرایی گرایش غالب در اروپا معطوف به چشم‌پوشی از سایر اختلاف‌نظرهای بنیادین و بحث و تبادل نظر برهمین منطبق نامسلما ۲ طرفی و چندفرهنگی است. به بیان دیگر در نظر اروپایی‌ها چندفرهنگ‌گرایی را می‌بایست متولای متناقض با هویت ملی قلمداد کنیم تا اصلاح‌کننده آن»

دوم اینکه نفیوت هویت‌های چندفرهنگی و تضعیف هویت‌های ملی و مشترک کار چندان مقبول به نظر نمی‌رسد. هر چند نفس هویت‌های چندفرهنگی زایل‌آور نیستند چرا که این هویت‌ها به طور ذاتی تفرقه‌افکن، انجلی و تخریب‌کننده نیستند اما با وجود این نیازمند چهار چوب پویا و مشخصی از ساختار مناسک و آداب و اصول ملی هستند که در نهایت موجب تعالی‌های هویت‌های ملی می‌شوند»

بروایند است که هویت‌های ملی‌گرایان، از نوازی باقی‌مانده برای برکنار کردن عوامل و احساسات افراد و جنبه‌های آنها بر خور دارند. شهروندی چندفرهنگی در صورت داشتن کشش و چندیت برابر - برای افراد مثالی - به استفاده از تک‌نوا و جانب‌های عاطفی هم‌وزنی نیاز دارد»

بسیاری از بریتانیایی‌ها به خاطر وجود نارضایتی در میان جوانان مسلمان و نیز به سبب امتناع مسلمانان بریتانیایی از پذیرفتن هویت رسمی این کشور احساس نگرانی می‌کنند و این در حالی است که مطالعات پیمایشی انجام گرفته در خصوص مسلمانان بریتانیا حاکی از تمایل این افراد به پذیرش هویت بریتانیایی است (طبق بررسی‌های انجام شده توسط کلال ۱۹۸۳ در پیار ۲۰۰۶، چیزی حدود ۴۵ درصد از مسلمانان بریتانیا شده‌اند خود را جزئی از جامعه بریتانیا می‌دانستند و ۲۷ درصد نیز هویت بریتانیایی را

منبع: Economist شماره سپتامبر ۲۰۰۶